

شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش کشور در برقراری هماهنگی، انسجام و استانداردسازی در ایجاد نظام‌های دانش محور در دستگاه‌های اجرایی

مازیار امیرحسینی^۱

مطالعات دانش‌شناسی

سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۹۹، ص ۱۶۷ تا ۲۰۵

نوع مقاله: مقاله مروری

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۹

چکیده

اسناد بالادستی و استراتژیک کشور مانند سند چشم‌انداز بیست ساله بر ایجاد نظام‌های دانش‌محور و شکل‌گیری تعاملات در تبادل اطلاعات کاربردی، تأکید دارند. علاوه بر این، هر یک از دستگاه‌های اجرایی کشور به ایجاد و راهبری نظام‌های دانش‌بنیان و مدیریت دانش در حوزه مأموریت‌های خود موظف‌اند. تکالیف قانونی، عامل اصلی توجه هر یک از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی به ایجاد نظام‌های مبتنی بر دانش یا دانش‌بنیان شده است. از طرف دیگر، وجود چنین درخواست‌های کلانی در ایجاد نظام‌های دانش‌محور، موجب شکل‌گیری پیمانکارانی شده است که چه به شکل حقیقی یا حقوقی و یا چه دولتی و غیردولتی در این زمینه فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. فضای کنونی در جذب و مصرف اعتبارات با توجه به تکالیف قانونی، عامل تسریع در فرایند سفارش نظام‌های دانش‌محور و شکل‌گیری صورت‌ظاهری از مدیریت دانش در دستگاه‌های مختلف، شده است. ایجاد غیرصحيح، نامتوازن و غیرمنسجم و نیز بعضاً فارغ از استانداردهای مدیریت دانش و عدم توجه کافی به مقتضیات بومی و ملی کشور در دستگاه‌های گوناگون در ایجاد نظام‌های دانش‌محور، چالش‌هایی را پدید آورده است که در قالب دو مقوله اجرایی و کلان می‌توان به آنها پرداخت. نهایتاً، در راستای عبور از چالش‌های موجود، شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش کشور در راستای تدوین سند ملی ایجاد و راهبری نظام مدیریت دانش پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت دانش، بخش دولتی ایران، تکالیف قانونی، چالش‌های خرد و کلان، استانداردسازی و هماهنگی، شورای عالی مدیریت دانش کشور

۱. عضو هیئت علمی و استادیار مدیریت اطلاعات و دانش، دفتر ارتباطات علمی و همکاری‌های بین‌المللی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی، Mazi_lib@yahoo.com
دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه شیراز و دکترای مدیریت و تکنولوژی دانش از دانشگاه ملی مالزی

مقدمه

با نگاهی به سند چشم‌انداز بیست ساله، برنامه‌های توسعه کشور و اهداف و برنامه‌های اعلام شده، دولت می‌بایست در راستای برنامه‌های راهبردی موردنظر حرکت کند^۱. تحقق اهداف برنامه چشم‌انداز بیست ساله در توسعه پایدار کشور، بدون توجه به سرمایه‌های فکری، دانش نیروی انسانی، انواع منابع اطلاعاتی، دانش ترویجی و امکانات موجود، امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر فقدان تفکری مبتنی بر دانش در ایجاد نظام‌های دانش‌بنیان و ترویج دانش از اصلی‌ترین نقاط چالش‌برانگیز در کشور است. علاوه بر سند راهبردی فوق، در سند جامع علمی کشور به مقوله ایجاد نظام مدیریت دانش به عنوان یک راهبرد کلان و اقدام ملی اشاره شده است^۲. قابل ذکر است که در متن سیاست‌های کلی نظام در بخش‌های مختلف، هر یک از دستگاه‌های ذیربط، مکلف به ایجاد نظام‌های مدیریت دانش به منظور تبادل نظام مند دانش شده‌اند^۳.

مدیریت تولید، انتشار و بکارگیری اطلاعات (دانش بیرونی) و سرمایه حاصل از فکر و اندیشه افراد (دانش درونی) به منظور دستیابی به اهداف سازمانی را مدیریت دانش گویند. در نظام مدیریت دانش، دانش بر دو گونه است: دانش بیرونی یا دانش تصریحی و دانش درونی یا دانش ضمنی. دانش بیرونی عبارت است از: دانش ثبت، ضبط و کدگذاری شده در انواع رسانه‌ها. مانند کتاب، سند، دستنامه‌ها، صفحات وب، منابع دیداری و شنیداری، منابع اطلاعاتی الکترونیک، منابع ترویجی و...، به این نوع از دانش اصطلاحاً دانش طولی نیز می‌گویند. دانش درونی عبارت است از: دانش حاصل از فکر، تجربه و اندیشه انسان، به این نوع از دانش اصطلاحاً دانش عرضی نیز می‌گویند.

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، سند نقشه جامع علمی کشور، ابلاغیات مقام معظم رهبری. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱. سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

بحث عمده مدیریت دانش بر سر شیوه سهیم شدن و مشارکت در دانش و نیز پی بردن به نوع دانش هر فرد و هم انتقال این دانش به دیگران است. به عبارت دیگر مدیریت دانش، حوزه‌ای از تحقیق و عمل است که قصد تعمیق فهم فرایند دانش در سازمان‌ها را داشته و به توسعه شیوه‌ها و ابزارهای پشتیبانی از انتقال دانش جهت برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد. مدیریت دانش دارای دو بعد مهم است: اداره دانش و توانایی خلق دانش جدید(حیات دانش). در مورد اول مدیریت دانش، اطلاعات کاربردی یا دانش مورد نیاز را برای فرد نیازمند در زمان موردنیاز فراهم می‌کند. مورد دوم شامل فعالیت‌های اکتساب، تلفیق، توزیع، کاربرد و خلاقیت دانش برای بهبود عملیات سازمان است که نهایتاً مزیت رقابتی برای سازمان ایجاد می‌کند.

بر مبنای تئوری مدیریت دانش، یکپارچگی و وحدت زیربنای فکری در برقراری هر نظام پویای توسعه مدار بر مبنای دانش است. بر اساس یافته‌های نوین قرن بیست‌ویکم، مدیریت دانش آخرین دستاورد بشری در حوزه معماری جامعه دانش مدار است. با توجه به اینکه جوامع از فرهنگ‌ها، طبقات و سطوح مختلف اقتصادی و در نهایت سطحی از دانش متفاوت برخوردارند، لذا در ایجاد نظام مدیریت دانش نسخه‌ای واحد برای تمامی دستگاه‌ها، سازمان‌ها و جوامع وجود ندارد^۱. بنابراین مدیریت دانش در هر یک از موارد فوق، علاوه بر اینکه منحصر به هر یک از جوامع است، در عین حال نقطه تلاقی و اشتراک دانش بشری را فراهم می‌کند. از این رهگذر با استفاده از راهبردها، روش‌ها و عملیات مبتنی بر اجزاء فرایند دانش، می‌توان نسبت میان دانش منحصر در یک سازمان یا جامعه را که سازمان یافته است با دانش بشری از منظرهای گوناگون، مشخص کرد. اینگونه است که میزان توسعه یافتگی و افزودگی دانش در یک حوزه خاص و مقایسه آن با دانش بشری در آن حوزه، موجب شناسایی نقاط قوت و ضعف اهداف کلان(استراتژی‌ها)، روش‌های انجام کار(تاکتیک‌ها)

1. Marouf, L. N., & Agarwal, N. K. 2016. "Are faculty members ready? Individual factors affecting knowledge management readiness in universities". *Journal of Information & Knowledge Management*, 15(3).

و نتایج حاصله (خروجی‌ها) در آن حوزه خاص از دانش شده و به تبیین، تصحیح و توجیه آن از دید مدیریت مبتنی بر دانش می‌پردازد.

عناصر کلیدی نظام مدیریت دانش شامل انسان، سازمان و فناوری‌های هوشمند است. تعامل این سه عنصر با یکدیگر از مجرای دانش، موجب ایجاد بسترهای نظام‌مند دانش‌محور می‌شود. در نظام مدیریت دانش، شناسایی و تعریف دانش موجود در سازمان از طریق تحلیل و کاربرد فنون مدیریت دانش، موجب پویایی در تولید دانش سازمان شده و نهایتاً به خلق دانش و توسعه پایدار در چرخه حیات دانش منجر می‌گردد^۱. اولین عنصر کلیدی نظام مدیریت دانش، انسان است. انسان به عنوان موجود خردمند و تولیدکننده دانش، در خدمت دانش و استفاده‌کننده و کاربردی‌کننده آن، بسیار حائز اهمیت است. سازمان، دومین عنصر از فرایند مدیریت دانش است که به عنوان ساختار یا اسکلت نظام مدیریت دانش شناخته می‌شود^۲. با توجه به اینکه هر سازمانی از اهداف، شرح وظایف و عملکرد تشکیل شده است، در تبیین دانش می‌بایست در حوزه‌های اهداف، شرح وظایف و عملکرد سازمان و تعیین میزان صحت، بهره‌وری و کارایی هر یک نسبت به یکدیگر و مجموعه این موارد با دانش جهانی مدنظر قرار گیرد. عنصر سوم در نظام مدیریت دانش، فناوری‌های هوشمند است که از تعامل دو عنصر انسان و سازمان یعنی ترکیب مدیران، کارکنان و کاربران دانش با اهداف، شرح وظایف و عملکرد بوجود می‌آید. توجه به دانش‌ها، روش‌ها و بسترهای فناوری اطلاعات و ارتباطات از قبیل نظام‌های خبره و هوشمند، معماری اطلاعات، شکل‌گیری مخازن دانش، ایجاد سازمان‌های دانش و نیز مهندسی دانش بر مبنای هستی‌شناسی‌ها، و بسته‌های نرم‌افزاری موردنیاز، از جمله مواردی است که در طراحی نظام مدیریت دانش مدنظر قرار می‌گیرد^۳.

1. Mezghani, E., Exposito, E. and Drira. K. (2016) A collaborative methodology for tacit knowledge management: Application to scientific research". Future Generation Computer Systems, 54, 450-455.
2. Zekić-Sušac, M., Has, A. (2015) Data Mining as Support to Knowledge Management in Marketing, Business Systems Research, 6(2), 18-30.
3. Mezghani, E., Exposito, E. and Drira. K. (2016)

تفکر حاکم بر ترکیب عناصر انسان، سازمان و فناوری های هوشمند، موجب ایجاد نظام هوشمند مدیریت دانش می‌گردد. از طرف دیگر، پیاده‌سازی نظام‌های هوشمند مدیریت دانش در هر سازمانی به سطح پیشرفت دانش در آن سازمان بستگی دارد و می‌بایست به این نکته تأکید کرد که دانش هر سازمانی سرمایه آن سازمان است^۱. از دیدگاهی دیگر، سطح پیشرفت دانش با تحلیل مراتب معرفت در سازمان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مراتب معرفت در هر سازمانی در برگیرنده حوزه داده (اطلاعات آماری)، حوزه اطلاعات (یافته‌های علمی و پژوهشی)، حوزه دانش (اطلاعات کاربردی و ترویجی) و خرد سازمانی (هدایت امور دانش‌محور) است. قابل ذکر است که مراتب فوق در هر سازمانی قابل مشاهده یا گسترش است؛ لیکن عرصه وجودی آن‌ها از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. بنابر آنچه گفته شد، در ایجاد نظام‌های دانش‌محور، نه تنها امکان گره‌برداری از تجارب محقق شده در سازمان‌های دیگر میسر نیست؛ بلکه در صورت امکان پذیر بودن نیز از نظر تئوری نظام مدیریت دانش مردود است، زیرا در هر سازمانی مدیریت دانش منحصر به همان سازمان است.

با عنایت به آنچه گفته شد، به منظور پیاده‌سازی عملیاتی مدیریت دانش در بخش‌های مختلف کشور، می‌بایست با توجه به مقتضیات و امکانات موجود و در نظر گرفتن فرایند تولید دانش و چگونگی مصرف آن در عرصه‌های مختلف، به تدوین الگوهای مفهومی ملی یا الگوهای مفهومی منحصر به فرد سازمانی یا بومی اقدام کرد. این الگوها می‌بایست انسان را به عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده دانش در نظر بگیرد، جایگاه سازمان و راهبردهای خرد و کلان آن را ترسیم نماید، دانش فردی و سازمانی را مهندسی نماید و در نهایت با تکیه بر نظام‌های خیره، امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات، در جهت تبادل دانش و ایجاد یک

1. Mohamed, S.F. and Zaibon, S.B. (2004) Artificial Intelligence Support For Knowledge Management in Construction. Proceedings, Knowledge Management International Conference and Exhibition (KMICE 2004), Faculty of Information Technology, Universiti Utara Malaysia. p.p. 395-403.

نظام دانش‌محور حرکت کرد.^۱ علاوه بر این، در راستای حرکت به سمت ایجاد انسجام و هماهنگی در ایجاد نظام‌های دانش‌محور در بخش اجرایی کشور و تبعیت از استانداردهای مدیریت دانش، می‌بایست سازوکاری در تدوین سند راهبردی ایجاد چنین نظام‌هایی از طریق یک شورای راهبردی شکل گیرد. قابل ذکر است که این پیشنهاد برای اولین بار در پنجمین کنگره متخصصان علوم در نشست تجربه‌ها و ایده‌های کتابداران (تاک) در پنجشنبه ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۸ در تالار قلم سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه شد (خبرگزاری لیزنا، ۱۳۹۸).^۲

۲. پیشینه پژوهی در ایجاد شورای عالی مدیریت دانش

شورای عالی در اصطلاح به شوراهایی گفته می‌شود که رئیس‌جمهور و یا معاون اول وی ریاست آن را بر عهده داشته باشد. سطوح شوراها در کشور، با توجه به جایگاه و اهمیت آن‌ها در قانون اساسی در دو سطح عالی و شوراهای محلی است. شوراهای عالی برای مقاصد خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأسیس می‌گردند و حدود اختیارات آن‌ها از جایگاه قانونی خاصی برخوردار است. به عنوان نمونه، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی در حکم قانون است. همچنین مصوبات شورای عالی اداری که برای ایجاد تحول در نظام و ساختار اداری کشور وضع می‌شود، از جایگاه خاصی برخوردار است. به این ترتیب، گسترده اختیارات و مصوبات شوراهای عالی با برخورداری از جایگاه قانونی خاص، دارای سطوح کشوری و حاکمیتی است و الزامات ویژه‌ای بر آن مترتب است.^۳

1. Julitawaty, Wily. 2016. "Management and Artificial Intelligence: Note" International Journal of Economics & Management Sciences, 5 (5):

۲. خبرگزاری لیزنا (۱۳۹۸) ارائه ده تجربه و ایده کتابدارانه در نشست تاک: ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۸. <https://www.lisna.ir/main/40682>

۳. مقدم، فرشته (۱۳۹۵) اهمیت و نقش شوراها بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش خبری صدا و سیما. <https://www.iribnews.ir/fa/news/1553296>

پرسابقه‌ترین نوع از شوراهای عالی کشور، «شورای عالی معارف» است که در سال ۱۳۰۰ با تلاش‌های سازمان‌یافته غیردولتی افراد اصلاح‌اندیش^۲ در ضرورت نوسازی نظام آموزش ایران^۳ در انجمن معارف تأسیس شد.^۴ «شورای عالی فرهنگ» در سال ۱۳۱۷ با تغییر نام «شورای عالی معارف» تشکیل و به عنوان مرجع قانونی برای نظارت بر فعالیت‌ها و تدوین مقررات آموزشی تعیین شد. در سال ۱۳۴۴، بخشی از وظایف این شورا در حوزه آموزش عالی به «شورای مرکزی دانشگاه‌ها» سپرده شد. در سال ۱۳۴۷، وزارت علوم، وظایف این شورا را به عهده گرفت و در سال ۱۳۴۸ «شورای تأسیس، توسعه و انحلال مؤسسات آموزش عالی» مأمور اتخاذ تصمیم در مورد چگونگی فعالیت مؤسسه‌های آموزش عالی شد. سرانجام در سال ۱۳۴۹ هیئت وزیران نام این شورا را به «شورای گسترش آموزش عالی» تغییر داد. در سال ۱۳۶۱، «شورای نوگشایی و بازگشایی»، مسئولیت تعیین سیاست‌های آموزش عالی را برعهده گرفت. پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، نام شورای مزبور در سال ۱۳۶۴ مجدداً به «شورای گسترش آموزش عالی» تغییر کرد.^۵ «شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی» بخشی از وظایف کلان سیاست‌گذاری در آموزش عالی کشور را بر عهده دارد که در سال ۱۳۵۹ تأسیس شد. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۳ با هدف ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در سیاست‌گذاری در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل شد.^۶ در سال

۱. مجلس شورای ملی (۱۳۰۰) قانون شورای عالی معارف: مجلس شورای ملی، ۲۰ اسفند ۱۳۰۰. ادوار، ۱ (۳): ۵۶۹.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90680>

۲. رنیگر، مونیکا. ام (۱۳۸۱) آموزش، دین و گفت‌وگو میان اصالح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقتخواه، تهران: ققنوس، ص ۲۰۵.

۳. شوهانی، سیاوش (۱۳۸۹) شورای عالی معارف: موافقان. مخالفان. پیام بهارستان، ۲ (۷): ۴۸۳-۵۱۶.

۴. صدیقی، عیسی (۱۳۵۲) یادگار عمر، خاطراتی از سرگذشت، تهران: دهخدا، ج ۱، ص ۲۳۶.

۵. دفتر گسترش آموزش عالی (۱۳۸۳) شرح وظایف و تاریخچه. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر

گسترش آموزش عالی. <https://gostaresh.msrt.ir/fa/page/399>

۶. مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳) قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: مصوبات مجلسی شورا، ۱۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۳. روزنامه رسمی، شماره ۱۷۳۳۶. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94172>.

۱۳۴۳، شورای عالی فرهنگ به دو قسمت «شورای برنامه‌ریزی» در وزارت فرهنگ و هنر^۱ و «شورای عالی آموزش و پرورش» در وزارت آموزش و پرورش تقسیم گردید^۲ که این شورا در سال ۱۳۵۸ مجدداً با عنوان «شورای عالی آموزش و پرورش» تشکیل شد^۳.

۳. پیشینه شوراهای عالی در ارتباط با شورای عالی مدیریت دانش

در این بخش به ارائه پیشینه شوراهایی می‌پردازیم که به نحوی می‌توانند در ایجاد، راهبری و توسعه شورای عالی مدیریت دانش، نقش مهمی داشته باشند و این شوراهای عالی به دو دسته شوراهای مرتبط و شوراهای پشتیبان تقسیم می‌گردند.

۱.۳ شوراهای عالی مرتبط با شورای عالی مدیریت دانش

اینگونه از شوراهای عالی از دیدگاه معرفت‌شناسی، می‌توانند به عنوان مراحل پایه در ایجاد شورای عالی مدیریت دانش در نظر گرفته شوند یا از دیدگاه سیاست‌گذاری در زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، می‌توان از تجارب و دستاوردهای آنها در ایجاد شورای عالی مدیریت دانش استفاده کرد.

۱.۱.۳ شورای عالی اطلاع‌رسانی

این شورا با مصوبه شورای انقلاب فرهنگی در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۷۷ تشکیل شد. شورای عالی اطلاع‌رسانی به منظور سیاست‌گذاری در امر اطلاع‌رسانی و هدایت شبکه‌ها و مراکز اطلاعاتی و هماهنگی فعالیت آنها و تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در زمینه

۱. روح بخش، م (۱۳۹۲) شورایی به قدمت ۱۱۰ سال؛ معرفی واحد اسناد شورای عالی آموزش و پرورش. رشد آموزش تاریخ، ۵۲: ۲۰-۲۱.

۲. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱. تاریخچه شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش. <https://www.medu.ir/fa/shora/part/dpT/page-id/4605?ocode=1000000744>

۳. شورای انقلاب (۱۳۵۸) لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش: مصوبات شورای انقلاب: ۲۷ بهمن سال ۱۳۵۸. دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۴۵۱. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98604>

شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش کشور در برقراری...

تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی اطلاع‌رسانی در ایران، شکل گرفته است.^۱ این شورا از جمله نزدیک‌ترین شوراها با مقوله مدیریت دانش است که در سال ۱۳۹۵ به شورای عالی فضای مجازی الحاق شد. از دیدگاه معرفت‌شناسی، علم اطلاع‌رسانی از طریق مدیریت اطلاعات به راهبری امور اطلاع‌رسانی اقدام می‌نماید. با در نظر گرفتن اینکه گام بنیادین در تحقق نظام مدیریت دانش، شکل‌گیری نظام مدیریت اطلاعات است؛ از دیدگاه کاربردی کردن اطلاعات، این شورا در ارتباط مستقیم با شورای عالی مدیریت دانش خواهد بود.

۲.۱.۳ شورای عالی فناوری اطلاعات

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۴ خرداد ماه سال ۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، تأسیس شورای عالی فناوری اطلاعات را تأیید کرد. هدف شورا، شامل سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی در قلمرو فناوری اطلاعات، تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت برای توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در قلمرو فناوری اطلاعات و گسترش کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور است.^۲ تجارب و سابقه این شورا در مقوله سیاست‌گذاری در امر زیرساخت‌های فناوری اطلاعات می‌تواند در تحلیل زیرساخت‌های ایجاد نظام‌های دانش‌محور در تحلیل وظایف شورای عالی مدیریت دانش مؤثر واقع گردد.

۳.۱.۳ شورای عالی انفورماتیک کشور

این شورا با مصوبه شورای انقلاب در تاریخ ۴ تیر ماه ۱۳۵۹ به منظور استقرار یک نظام انفورماتیکی در کشور تأسیس شد. شورای عالی انفورماتیک از ابتدای تأسیس وابسته به سازمان برنامه و بودجه بود که در راستای سروسامان دادن و جلوگیری از اتلاف منابع ملی

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۷) آیین‌نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی: مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸ اردیبهشت ۱۳۷۷. نقل از شماره ۱۵۵۲۱-۱۳۷۷.۳.۲۳ روزنامه رسمی.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100570>

۲. هیأت وزیران (۱۳۸۴) اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات: مصوبات هیأت وزیران، ۴ خرداد ماه سال ۱۳۸۴. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/123287>

کشور گام برمی‌داشت^۱. نظام‌های اطلاعات مکانیزه یا کامپیوتری از جمله زیرساخت‌ها و محتواهای تحلیل اطلاعات هستند که دارای سنخیت با مبانی مدیریت دانش است و می‌تواند در راستای مبانی بنیادین شورای عالی مدیریت دانش، مدنظر قرار گیرد. این شورا، در تاریخ ۳۰ مهر ماه ۱۳۹۷ منحل شد و کلیه وظایف آن به شورای عالی فضای مجازی منتقل شد^۲.

۲.۳ شوراهای پشتیبان شورای عالی مدیریت دانش

اینگونه از شوراها، با توجه به ماهیت حوزه مأموریت آن‌ها می‌توانند از دیدگاه معرفت‌شناسی، به سیاست‌گذاری و راهبری تولید داده و اطلاعات، اقدام نمایند. از طرف دیگر، برخی از این شوراها به عنوان سیاستگذار در امر مصرف و تبادل داده و اطلاعات، شناخته می‌شوند. با عنایت به ماهیت پیش گفته است که این شوراها در سیر مراتب معرفت در تواید داده و اطلاعات و شیوه مصرف آن‌ها، می‌توانند به عنوان پشتیبان شورای عالی مدیریت دانش در نظر گرفته شوند.

۱.۲.۳ شورای عالی آمار

در سال ۱۳۲۰ شورای عالی آمار تشکیل شد و هدایت آن و به وزارت کشور سپرده شد. سرانجام، در سال ۱۳۵۳ با اصلاح قانون مرکز آمار ایران بنابر ضرورت، مجدداً ایجاد شورای عالی آمار در این قانون پیش‌بینی شد. این شورا به عنوان مهم‌ترین مرجع هماهنگ‌کننده فعالیت‌های آماری کشور، رکن نظام آماری کشور محسوب می‌گردد^۳. آمار و اطلاعات از عناصر تفکیک‌ناپذیر در مراتب معرفت از دیدگاه معرفت‌شناسی در نظر گرفته می‌شوند. آمار در نقش شکل‌گیری داده به عنوان منبع بنیادین محاسبات در تولید اطلاعات محسوب

۱. شورای انقلاب (۱۳۵۹) لایحه قانونی تشکیل شورای عالی انفورماتیک کشور: شورای انقلاب، ۴ تیر ماه ۱۳۵۹.

روزنامه رسمی، ۱ (۱): ۶۵۷. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98983>

۲. مرکز ملی فضای مجازی (۱۳۹۵) تعیین تکلیف وظایف اجرایی شورای عالی انفورماتیک: مصوبه شماره ۱ جلسه پنجاه و سوم مورخ ۳۰/۰۷/۹۷.

۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۹) تاریخچه شکل‌گیری شورای عالی آمار. تهران: مرکز آمار ایران.

<https://www.amar.org.ir>

شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش کشور در برقراری...

شده و به عنوان ارکان اساسی شکل‌گیری دانش در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، این شورا می‌تواند ارتباط مستقیم با شورای عالی مدیریت دانش داشته باشد.

۲.۲.۳ شورای پژوهش‌های علمی کشور

آئین‌نامه شورای پژوهش‌های علمی کشور از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۳۰ آبان ماه سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸)^۱. با توجه به ماهیت این شورا در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و راهبری پژوهش‌های علمی کشور، این شورا در ارتباط تنگاتنگ با حوزه مدیریت دانش است. با در نظر گرفتن ماهیت معرفت‌شناختی حوزه مدیریت دانش که قسمت عمده تولید اطلاعات کاربردی را ناشی از یافته‌های پژوهشی در نظر می‌گیرد، وظایف و گستره فعالیت‌های این شورا در ارتباط مستقیم با میزان توسعه و تحقق مدیریت دانش در کشور است. از طرف دیگر، سازوکارهای مدیریت دانش می‌تواند در رفع موانع در ایجاد بستر مناسب برای توسعه و پشتیبانی پژوهش‌های علمی در کشور، نقش بی‌بدیلی را ایفا نماید.

۳.۲.۳ شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی

این شورا با مصوبه شورای انقلاب در تاریخ ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ به منظور ایجاد یک نظام آموزشی نو در آموزش عالی و برقراری معیارهای جدید در پژوهش‌های بنیادی تأسیس شد. شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی است^۲. این شورا با تأکید بر سیاست‌گذاری و راهبری امور آموزش عالی در کشور در تولید و به خصوص مصرف اطلاعات به شکل مستقیم می‌تواند در شکل‌گیری و راهبری نظام پیشنهادی شورای عالی مدیریت دانش نقش داشته باشد. به عبارت دیگر، وظایف این شورا می‌بایست با وظایف شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش در ارتباط قرار گیرد.

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۸) شورای عالی انقلاب فرهنگی. سال اول، صفحه ۵۵.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100059>

۲. شورای انقلاب (۱۳۵۹) لایحه قانونی تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی: مصوبات شورای انقلاب، ۱۷

اردیبهشت ۱۳۵۹. روزنامه رسمی، ۱ (۱): ۵۵۱. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98830>

۴.۲.۳ شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

با تصویب قانون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شهریورماه ۱۳۸۳ توسط مجلس شورای اسلامی^۱، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری با هدف ایجاد هماهنگی در سیاست‌گذاری کلان اجرایی در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل شد^۲. این شورا با توجه به ماهیت آموزشی و پژوهشی آن در امر سیاست‌گذاری های کلان در این حوزه^۳ از دیدگاه معرفت‌شناسی، به عنوان سیاست‌گذار در امر تولید و مصرف اطلاعات شناخته می‌شود. به این ترتیب، این شورا می‌تواند به عنوان پشتیبان شورای عالی مدیریت دانش کشور، نقش مهمی ایفا نماید.

۵.۲.۳ شورای عالی آموزش و پرورش

در سال ۱۳۴۳ «شورای عالی آموزش و پرورش» در وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد^۴. این شورا از طریق لایحه قانونی با موصوبه شورای انقلاب در ۱۸ آبان سال ۱۳۵۸ مجدداً تشکیل گردید^۵. این شورا در سیاست‌گذاری، هدایت، برنامه‌ریزی، توسعه و راهبری امور مربوط به حوزه آموزش و پرورش دارای صلاحیت و قدرت تصمیم‌گیری است. از آنجایی که مدیریت دانش و آموزش به عنوان دو روی یک سکه شناخته می‌شوند، راهبردهای آموزشی در راستای راهبردی‌های اشاعه دانش در نظام مدیریت دانش است به این ترتیب،

۱. دبیرخانه شورا (۱۳۹۹) کسب جایگاه قانونی شورای عالی عتف در سال ۱۳۹۶. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری، دبیرخانه. <https://www.msrt.ir/fa/news/38312>

۲. مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳) قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: مصوبات

مجلسی شورا، ۱۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۳. روزنامه رسمی، شماره ۱۷۳۳۶.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94172>

۳. دبیرخانه شورا (۱۳۹۹) امور دبیرخانه: مدیریت دانش. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دبیرخانه.

<https://www.atf.gov.ir/fa/shorayeali/ejraee/odabirkhaneh/modiratdanesh>

۴. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱) تاریخچه شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: روابط عمومی وزارت آموزش

و پرورش. <https://www.medu.ir/fa/shora/part/dpT/page-id/4605?ocode=1000000744>

۵. شورای انقلاب (۱۳۵۸) لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش: مصوبات شورای انقلاب:

۲۷ بهمن سال ۱۳۵۸. دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۴۵۱. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98604>

در تشکیل شورای عالی مدیریت دانش، می‌بایست به محورهای همکاری دوجانبه با شورای عالی آموزش و پرورش، توجه گردد.

۶.۲.۳ شورای عالی فضای مجازی

این شورا در مورخه ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ با توجه به گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن تشکیل شد. این شورا متولی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور است. علاوه بر این، این شورا موظف به تشکیل مرکزی تحت عنوان مرکز ملی فضای مجازی کشور شد. اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی در تاریخ ۳۱ تیر ماه سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید^۱. با عنایت به اینکه شورای عالی پیشنهادی مدیریت دانش در فضای مجازی فعال است و به دلیل وظایف راهبردی و سیاست‌گذاری شورای عالی مجازی و وظایف اجرایی مرکز ملی فضای مجازی، هماهنگی با این نهادها مدنظر قرار می‌گیرد.

۴. تعیین وضعیت شوراهای عالی کشور

مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تصویب ادغام دبیرخانه شوراها مورخ ۱۸ تیر ماه سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد که دبیرخانه شوراهای عالی در ذیل چهار گروه موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. به این ترتیب، تعداد ۲۸ شورای عالی ذیل چهار مدخل موضوعی قرار گرفته‌اند. لیکن، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام که در تاریخ ۶ مهرماه سال ۱۳۸۷ ابلاغ گردید، تعداد ۱۸ شورای عالی با حفظ اختیارات و وظایف و اعضاء آنها کمافی‌السابق براساس قوانین ذی‌ربط قبلی تشکیل و اداره می‌شوند. در این مصوبه قانونی تصریح نشده است که تکلیف ۱۰ شورای عالی که در سیاهه شورای تشخیص مصلحت حضور ندارند، چیست. در اینجا به ذکر مصوبه قوه مجریه که از کانال شورای عالی اداری و نیز مصوبه قوه مقننه که از طریق مجمع تشخیص مصلحت تأیید و ابلاغ شده است، می‌پردازیم.

۱.۴ مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تصویب ادغام دبیرخانه شوراها

۱. مرکز ملی فضای مجازی (۱۳۹۹) وظایف و اختیارات مرکز ملی فضای مجازی. تهران: شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی. http://www.majazi.ir/general_content/76437

شورای عالی اداری در یکصد و سی و سومین جلسه مورخ ۱۸ تیر ماه سال ۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، در راستای تحقق اهداف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی نظام واصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برنامه چهارم توسعه و با اهدافی مبتنی بر: پرهیز از تشکیلات متعدد و مشابه با محتوای واحد در شکل‌گیری شوراهای عالی متعدد عامل تصمیمات متراکم و شاید گاهی متعارض در موضوع واحد می‌شود. به این ترتیب، ضرورت ساماندهی و هماهنگی و انسجام و ادغام شوراهایی که دارای هم‌پوشانی یا موضوعات مشابه هستند، اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، دبیرخانه شوراهای موجود با تمام وظایف و اختیارات با توجه به نوع و شباهت وظایف و اختیارات و به شرح زیر در یکدیگر یا در کمیسیون‌های دولت ادغام می‌گردند.

الف) دبیرخانه شورای عالی مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی با ادغام دبیرخانه شوراهای زیر تشکیل می‌شود:

شورای اقتصاد / شورای عالی اشتغال / شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی / شورای عالی صادرات / شورای عالی هماهنگی صادرات خدمات فنی و مهندسی / شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی / هیئت امنای صندوق ذخیره ارزی / شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی / شورای پول و اعتبار / شورای عالی بیمه / شورای عالی الگوی مصرف.

ب) دبیرخانه شورای عالی آموزش، پژوهش و فناوری با ادغام دبیرخانه شوراهای زیر تشکیل می‌گردد:

شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری / شورای عالی فناوری اطلاعات / شورای عالی اطلاع‌رسانی / شورای عالی قضایی / شورای انرژی اتمی / شورای عالی امنیت فضا تبادل اطلاعات کشور / شورای عالی آموزش و پرورش / شورای عالی پشتیبانی نهضت سوادآموزی / شورای عالی انفورماتیک / شورای علمی کاربردی / شورای عالی زیست فناوری / شورای عالی استاندارد

ج) دبیرخانه شوراهای ذیل در کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست دولت ادغام می‌گردند:

شورای عالی آب/ شورای عالی انرژی/ شورای عالی حفاظت محیط زیست/
(د) دبیرخانه شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری در دبیرخانه کمیسیون فرهنگی
دولت ادغام می‌گردند.^۱

۲.۴ قانون تعیین وضعیت شوراهای عالی

با عنایت به مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تصویب ادغام دبیرخانه شوراها در سال ۱۳۸۶، تعیین وضعیت شوراهای عالی مصوب در جلسه علنی مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ مجلس که با عنوان طرح دوفوریتی تعیین وضعیت شد، ادغام و اصلاح شوراهای عالی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد و مطابق اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردید که در تاریخ ۶ مهرماه سال ۱۳۸۷ به تأیید آن مجمع رسید. از تاریخ تصویب این قانون شوراهای ذیل با حفظ اختیارات و وظایف و اعضاء آنها کمافی‌السابق براساس قوانین ذی‌ربط قبلی تشکیل و اداره می‌گردند: شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری/ شورای عالی آموزش و پرورش/ شورای عالی فضائی/ شورای عالی فناوری اطلاعات/ شورای انرژی اتمی/ شورای عالی انرژی/ شورای اقتصاد/ شورای عالی اشتغال/ شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی/ شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی/ شورای عالی بیمه/ شورای عالی آب/ هیأت امناء حساب ذخیره ارزی/ شورای پول و اعتبار/ شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری/ شورای عالی استاندارد/ شورای عالی حفاظت محیط زیست/ شورای عالی انفورماتیک.^۲

۳.۴ طرح ادغام شورای عالی فناوری اطلاعات در شورای عالی فضای مجازی

در این بخش به نمونه‌ای از طرح‌های ادغام که در ارتباط با موضوع پیشنهادی در ایجاد شورای عالی مدیریت دانش است می‌پردازیم. دفتر فناوری‌های نوین مرکز پژوهش‌های

۱. شورای عالی اداری (۱۳۸۶) مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تصویب ادغام دبیرخانه شوراها: مصوبات شورای عالی اداری، ۱۸ تیرماه سال ۱۳۸۶. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133785>

۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۷) قانون تعیین وضعیت شوراهای عالی: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت، ۶ مهرماه سال ۱۳۸۷. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134279>

مجلس شورای اسلامی در گزارشی اظهار نظر کارشناسی خود را درباره طرح ادغام شورای‌های عالی مرتبط با امور اطلاع‌رسانی، فناوری اطلاعات، انفورماتیک و امنیت فضای تبادل اطلاعات در سال ۱۳۹۳ اعلام کرد. با شکل‌گیری شورای عالی فضای مجازی، طرح ادغام این شوار در شورای عالی فضای مجازی به منظور جلوگیری از تفریق و موازی‌کاری در عرصه سیاست‌گذاری فضای مجازی مطرح شد. با توجه به موانع و اشکالات حقوقی طرح، مقرر شد که به منظور پرهیز از چالش‌های ناشی از همپوشانی‌های وظایف این دو شورا در توسعه کاربردهای الکترونیکی و دولت الکترونیکی در سطح کشور، وظایف شورای عالی فناوری اطلاعات صرفاً به هماهنگی و برنامه‌ریزی در امور اجرایی حوزه فناوری اطلاعات تقلیل یابد.^۱ این درحالی است که در مرداد ماه سال ۱۳۸۶، سخنگوی دولت از نهایه شدن طرح ادغام ۲۸ شورای عالی دولت و تشکیل چهار شورا از جمله شورای عالی آموزش، پژوهش و فن‌آوری که دربرگیرنده شوراهای عالی «فن‌آوری اطلاعات»، «اطلاع‌رسانی»، «امنیت فضای تبادل اطلاعات کشور» و «انفورماتیک» است، خبر داده بود.^۲

۵. نتایج حاصل از تحلیل شکل‌گیری و وضعیت کنونی شوراهای عالی

بررسی مصوبات قانونی و اجرایی در شکل‌گیری شوراهای عالی نشان می‌دهد که شمار زیادی از شوراهای عالی در زمینه‌های موضوعی گوناگون یا تا حدودی مشابه، تأسیس شده‌اند. قابل ذکر است که از تاریخ تأسیس اولین شورای عالی (شورای عالی معارف) در سال ۱۳۰۰ شمسی در مجلس شورای ملی، شمار متعددی از شوراهای عالی تأسیس شده است. برخی از این شوراها، پس از مدت کوتاهی پس از شکل‌گیری یا فعالیت‌شان متوقف شده است و یا در شوراهای مشابه که دارای هم‌پوشانی بوده‌اند؛ ادغام شده‌اند. هدف ایجاد انسجام در رویه‌های متحد تصمیم‌گیری در حوزه‌های مشابه، عامل ادغام یا حذف شوراهای عالی از طریق مجاری قانونی تصمیم‌گیری مانند قوه مقننه یا مجریه، بوده است.

۱. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳) طرح ادغام شورای عالی فناوری اطلاعات و شورای عالی فضای مجازی، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/07/29/535644>

۲. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) (۱۳۸۶). آیا با وجود ادغام شوراهای عالی، وظایف شوراهای موازی همچنان پابرجا می‌مانند؟ ۲۹ مرداد ۱۳۸۶. <https://www.isna.ir/news/8605-15078>

از جمله دلایل مهم در ایجاد شمار کثیری از شوراهای عالی، تفویض اختیار به شوراهای عالی در قانون‌گذاری بوده است تا در امور کشور تسریع حاصل شود. لیکن، همین رویه در شوراهای عالی مشابه، عامل قانون‌گذاری‌های موازی یا بعضاً متناقض بوده است. از طرف دیگر، نتایج پیشینه پژوهی نشان می‌دهد که در مواردی نیز تصمیم‌های کلان در قالب قوانین وضع شده در شوراهای عالی با قوانین مجلس در تضاد قرار گرفته است. این وضعیت عامل اصلی ایجاد چالش در تصمیم‌سازی کلان و قانون‌گذاری در کشور می‌گردد، به نحوی که تعیین تکلیف این شرایط نیازمند ورود قوای مجریه و مقننه به بحث است تا به وضعیت پیش گفته سامان دهند.

نتیجه دیگری که از پیشینه پژوهی حاصل شده است در این نکته نهفته است که در مواردی که نیاز به تصمیم‌سازی و قانون‌گذاری با سرعت مورد نظر بوده، شوراهای عالی شکل گرفته‌اند. این روش در شکل‌گیری شوراهای عالی، معمولاً در امور حساس کشوری یا حوزه‌های نوظهور مانند فناوری‌های نوین به اجرا درآمده است. علی‌رغم کاستی‌ها و فعالیت‌های موازی شوراهای عالی که در همپوشانی محتوایی با یکدیگر شکل گرفته است، به موارد موفق‌تری از شوراها بر می‌خوریم که در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی نقش شایان توجهی، بازی کرده‌اند. شاید در اینجا این نکته به ذهن متبادر گردد که بعضی از انواع شوراهای عالی بنابر مقتضیات زمانی خود حائز اهمیت و نقش آفرین بوده‌اند. به همین دلیل، پس از گذار از نقطه اهمیت با توجه به مقتضیات اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی، دیگر محلی از اعراب ندارند و می‌بایست حذف یا در بستر سایر شوراهای عالی ادغام شوند. این نکته، ممکن است از تحولات یا دگرگونی‌های پدیدآمده، به‌ویژه در مباحث تکنولوژیک، نشأت گرفته باشد. به عنوان مثال، بحث یا حوزه انفورماتیک به دهه‌های ۵۰ یا ۶۰ میلادی بازمی‌گردد که شکل متحول شده آن فناوری اطلاعات است. در این راستا، فناوری اطلاعات نیز به نسبت فضای مجازی، قدیم‌تر به نظر می‌آید یا حساسیت فضای مجازی، بیشتر از فناوری اطلاعات است و یا حوزه فضای مجازی می‌تواند، حوزه تکنولوژی اطلاعات را نیز در برگیرد. در نهایت نتایج پیشینه پژوهی نشان می‌دهد که شورایی تحت عنوان شورای عالی مدیریت دانش در کشور تاکنون محقق و تأسیس نشده است. علاوه بر این، شوراهایی که به

نحوی می‌توانند در ارتباط یا پشتیبانی از شورای پیشنهادی قرار گیرند، به مقوله سیاست‌گذاری و راهبری کلان حوزه مدیریت دانش پرداخته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که ماهیت مدرن و نوین مدیریت دانش، نیازهای کشور در زمینه ایجاد نظام‌های دانش‌بنیان و تکالیف قانونی در این زمینه، عامل اصلی در ایجاد و شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش به منظور سیاست‌گذاری و راهبری هماهنگ در شکل‌گیری نظام‌های دانش محور استاندارد و اثر بخش، است.

۶. مبادی بحث پیرامون شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش

در این بخش، با تکیه بر نتایج حاصل از پیشینه‌پژوهی و نیز تحلیل وضعیت شوراهای عالی در کشور، به خصوص شوراهای مرتبط و پشتیبان شورای عالی مدیریت دانش، به تبیین مسئله پژوهش، اهداف و کاربردهای مورد پیش‌بینی، ضرورت شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش، توجیه اقتصادی-اجتماعی طرح و میزان نوآوری پیشنهاد ایجاد شورای عالی مدیریت دانش می‌پردازیم.

۱.۶ تعریف مسئله

در حال حاضر فقدان تفکری مبتنی بر دانش تخصصی در ایجاد نظام‌های دانش‌بنیان و ترویج دانش از اصلی‌ترین نقاط چالش‌برانگیز در کشور است. از طرف دیگر فقدان الگوهای نظری و مفهومی بومی در ایجاد نظام‌های مدیریت دانش ملی به شکلی فزاینده عامل ایجاد چالش در ایجاد و راهبری نظام‌های دانش محور غیربومی و استاندارد است. گرته براری از الگوهای مدیریت دانش در کشورهای دیگر نیز به رفع این مشکلات موجود کمک نمی‌کند. از دیدگاهی دیگر، تحقق اهداف برنامه چشم‌انداز بیست ساله در توسعه پایدار کشور، بدون توجه به سرمایه‌های فکری، دانش نیروی انسانی، انواع اطلاعاتی، دانش ترویجی و امکانات موجود، امکان‌پذیر نیست. علاوه بر سند راهبردی فوق، در سند جامع علمی کشور به مقوله ایجاد نظام مدیریت دانش به عنوان یک راهبرد کلان و اقدام ملی اشاره شده است. قابل ذکر است که در متن سیاست‌های کلی نظام در بخش‌های مختلف، هر یک از دستگاه‌های ذی‌ربط، مکلف به ایجاد نظام‌های مدیریت دانش به منظور تبادل

نظام‌مند دانش شده‌اند. تکالیف قانونی، عامل اصلی ایجاد انگیزه در دستگاه‌های دولتی در ایجاد و راهبری نظام‌های مدیریت دانش شده است. تکالیف دستگاه‌های دولتی در این رابطه، موجب شکل‌گیری پیمانکاران غیرمتخصص در ایجاد نظام‌های غیراستاندارد مدیریت دانش در کشور شده است. فضای کنونی در جذب و مصرف اعتبارات با توجه به تکالیف قانونی، عامل تسریع در فرایند سفارش نظام‌های دانش‌محور و شکل‌گیری صورت‌ظاهری از مدیریت دانش در دستگاه‌های مختلف شده است. ایجاد غیرصحیح، نامتوازن و غیرمنسجم و نیز بعضاً فارغ از استانداردهای مدیریت دانش و عدم توجه کافی به مقتضیات بومی و ملی کشور در دستگاه‌های گوناگون در ایجاد نظام‌های دانش‌محور، عامل شکل‌گیری چالش‌های اجرایی و کلان در راهبری چنین نظام‌هایی است. بنابراین، در راستای عبور از چالش‌های موجود، شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش کشور در راستای تدوین سند ملی آن در ایجاد و راهبری استاندارد نظام‌های مدیریت دانش پیشنهاد می‌گردد.

۲.۶ اهداف و کاربردهای مورد پیش‌بینی

شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش در کشور، در مرحله اول، منجر به برقراری ارتباط نظام‌مند بین وظایف شوراهای مرتبط مانند شوراهای عالی اطلاع‌رسانی، فناوری اطلاعات، انفورماتیک و شورای عالی آمار شده و عامل توانمندسازی شوراهای پشتیبان مانند شوراهای عالی پژوهش‌های علمی کشور، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و فضای مجازی در راستای تولید و اشاعه نظام‌مند داده، اطلاعات و دانش در فضای شبکه‌ای برای کلیه ذی‌نفعان و نقش‌آفرینان در کشور است. قابل ذکر است که فارغ از تغییر نام، ادغام یا انحلال شوراهای عالی پیش‌گفته، شورای عالی مدیریت دانش می‌تواند از ظرفیت‌ها و تجارب این شوراها در راستای تحقق یک جامعه دانش‌بنیان و دانش‌محور سود جوید. در مرحله بعد ایجاد سیاست‌های منسجم و هم‌گرا در تمرکز هدف‌مند تولید و اشاعه دانش بر مبنای سیاست‌های کلان و راهبردی کشور، منجر به تحقق اهداف برنامه‌های توسعه از طریق تبادل دانش در زمان مناسب برای استفاده‌کننده مناسب می‌گردد. علاوه بر این سند راهبردی ایجاد و راهبری مدیریت دانش به عنوان یک راهنمای استاندارد

در هماهنگ‌سازی ساختاری و محتوایی دانش در قالب نظام‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری متناسب، به ایجاد نظام‌های دانش‌بنیان با کارایی حداکثری در راستای رفع نیازهای داده، اطلاعات و دانش در کشور می‌انجامد. در ذیل به برخی از نتایج مورد انتظار و پیش‌بینی اشاره می‌گردد:

- ایجاد نظام‌های منسجم و یکپارچه مدیریت دانش در سطح کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور
- تدوین سند راهبردی توسعه نظام‌های دانش‌بنیان بر اساس مقتضیات ملی در راستای دانش تخصصی روز مدیریت دانش در سطح بین‌المللی
- استانداردسازی فرایند ذخیره، پردازش و اشاعه نظام‌مند داده، اطلاعات و دانش با تکیه بر توانمندی‌های داخل و خارج از کشور
- شکل‌گیری رکن تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در ایجاد و راهبری نظام‌های مدیریت دانش در کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور
- ایجاد مرجع تحول نظام‌های هوشمند دانش‌محور در ارتباط نظام‌مند بین متولیان داده، اطلاعات و دانش در دستگاه‌های مختلف در راستای تحلیل کل‌نگر در تدوین استراتژی‌های خرد و کلان
- ایجاد بستر هدایت مستمر و نگهداری هدفمند نظام‌های مدیریت دانش از طریق تحلیل بازخوردهای استفاده‌کنندگان نهایی و دستگاه‌های متولی
- ایجاد بستر تمرکز در سیاست‌گذاری توسعه و راهبری نظام‌های مدیریت دانش و ایجاد و کاربرد آن‌ها به شکل غیر متمرکز در کلیه دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی

۳.۶ ضرورت شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش

در حال حاضر، در کشور شاهد بلوغ و توسعه تفکر ایجاد نظام‌های دانش‌محور در اسناد استراتژیک و بالادستی کشور مانند سند چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه و اسناد جامع توسعه علمی و به‌ویژه در قوانین مصوب کشوری هستیم. این اسناد و قوانین بر ایجاد نظام‌های دانش‌محور و دانش‌بنیان، به خصوص در قوه مجریه کشور تأکید دارند. این تکالیف

راهبردی و قانونی، دستگاه‌های اجرایی را به ایجاد و راهبری نظام‌های مدیریت دانش، مکلف کرده‌اند. از دیدگاهی دیگر، بخش خصوصی نیز به منظور دستیابی به مزیت‌های رقابتی در بازار، تمایل خود را به ایجاد نظام‌های دانش‌بنیان، نشان داده است. لیکن، سیاست‌گذاری، استانداردسازی و راهبری واحد و استاندارد که بر اساس اصول علمی مدیریت دانش شکل گرفته باشند، در کشور محقق نشده است. بنابراین، راهبرد کلان، قوانین مصوب و نیاز به شکل‌گیری نظام‌های مدیریت دانش در کشور وجود دارد، لیکن متخصصان این حوزه در مراکز آموزش عالی کشور تربیت نمی‌گردند. به همین دلیل، افراد کم‌آشنا یا غیرمتخصص به شکل پیمانکاران، وارد عمل شده‌اند و نظام‌های صوری و ظاهری مدیریت دانش را که منطبق با استانداردهای بین‌المللی نیست، به اجرا در می‌آورند. این مقوله نه تنها به شکل‌گیری نظام‌های دانش‌بنیان منجر نمی‌گردد؛ بلکه منابع مالی و انسانی کشور را ضایع می‌کند. بنابراین، به منظور سیاست‌گذاری منسجم و استانداردسازی فعالیت‌ها در اجرای طرح‌های شکل‌گیری نظام‌های دانش‌بنیان و نیز ایجاد الگوها و مبانی نظری ملی و بومی مدیریت دانش در قالب سند ایجاد و راهبری نظام‌های مدیریت دانش، می‌بایست شورای عالی مدیریت دانش محقق گردد.

۴.۶ توجیه اقتصادی-اجتماعی طرح

مراتب شکل‌گیری نظام‌های هوشمند و استاندارد مدیریت دانش در هر سازمانی در برگیرنده حوزه داده (اطلاعات آماری)، حوزه اطلاعات (یافته‌های علمی و پژوهشی)، حوزه دانش (اطلاعات کاربردی و ترویجی) و خرد سازمانی (هدایت امور دانش‌محور) است. مراتب فوق از دیدگاه معرفت‌شناسی زمانی در نظام‌های دانش‌محور محقق می‌گردد که استانداردها و الگوهای نظری ملی تدوین شده و بر مبنای یک سند راهبردی کلان و سیاست‌های متمرکز، منسجم و فرادستگاهی در کشور حرکت نمایند. ارائه هدفمند آمار، اطلاعات کاربردی و دانش تخصصی به ذی‌نفعان و نقش‌آفرینان در عرصه‌های مختلف کشور از طریق نظام‌های دانش‌بنیان منسجم، عامل ایجاد افزایش سطح بهره‌وری در بخش‌های مختلف می‌گردد. ایجاد زمینه برای توسعه مشاغل و شکل‌گیری مشاغل نوین، از

مزایای اقتصادی ایجاد نظام‌های دانش‌بنیان استاندارد و منسجم در کاهش آمار بیکاری است. از طرف دیگر نظام‌های مدیریت دانش که مبتنی بر دانش تخصصی تدوین شده باشند، زمینه ایجاد بازارهای دانش را در توزیع انواع محصولات و بدون واسطه به مصرف‌کننده فراهم می‌آورد که عامل کاهش قیمت و هزینه در توزیع کالاها و خدمات است. از دیدگاه اقتصادی، نظام مدیریت دانش در پردازش و تبادل دانش در بخش‌های مختلف کشور، عامل افزایش دانش استفاده‌کنندگان نهایی و افزایش سطح بهره‌وری و ارزش افزوده و در نهایت رونق کسب‌وکار است. به این ترتیب، کلیه استفاده‌کنندگان بالقوه و بالفعل این نظام تبادل دانش از مزایای دسترس‌پذیری دانش در عرصه‌های مختلف که عامل توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور خواهد شد، بهره‌مند می‌گردند. شرط بنیادین توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد نظر، ایجاد سازوکار هماهنگ در سیاست‌گذاری و راهبری ایجاد نظام‌های دانش‌محور و دانش‌بنیان است. این مهم زمانی تحقق می‌یابد که یک مرجع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به تدوین سند استاندارد مدیریت دانش اقدام نماید و عملیاتی شدن آن را از طریق اهرم‌های قانونی تضمین نماید. این مرجع تصمیم‌گیری، شورای عالی مدیریت دانش کشور خواهد بود.

۵.۶ میزان نوآوری پیشنهاد

اسناد بالادستی و استراتژیک کشور مانند سند چشم‌انداز بیست ساله و سند جامع علمی کشور، و نیز قوانین و مقررات مصوب به عنوان مثال «بندج» از ماده ۲۲ قانون افزایش سطح بهره‌وری بر ایجاد نظام‌های دانش‌محور کشاورزی مبتنی بر مدیریت دانش، تأکید دارند. نتایج پیشینه پژوهی در ایجاد شوراهای عالی نشان می‌دهد که تاکنون چنین شورایی در کشور شکل نگرفته است و حتی در اساسنامه، اهداف و وظایف شوراهای عالی در حوزه فناوری اطلاعات، ارتباطات و فضای مجازی نیز، به مبانی مدیریت دانش اشاره‌ای نشده است. لیکن در ایجاد، استانداردسازی، تدوین رهنمودها و راهبری نظام‌های مدیریت دانش در کشور، متولی کلانی در سطح عالی‌ترین ارکان‌های اجرایی کشور مانند ریاست جمهوری وجود ندارد. لذا، پیشنهاد شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش کشور در برقراری

هماهنگی، انسجام و استانداردسازی در ایجاد نظام‌های دانش‌محور در دستگاه‌های اجرایی امری نوین و بدیع است.

۷. چالش‌های ایجاد نظام مدیریت دانش در کشور

همانگونه که پیشتر اشاره کردیم، اسناد بالادستی و استراتژیک کشور مانند سند چشم‌انداز بیست ساله بر ایجاد نظام‌های دانش‌محور و شکل‌گیری تعاملات در تبادل اطلاعات کاربردی، تأکید دارند. علاوه بر این، هر یک از دستگاه‌های اجرایی کشور به ایجاد و راهبری نظام‌های دانش‌بنیان و مدیریت دانش در حوزه مأموریت‌های خود موظف‌اند. تکالیف قانونی، عامل اصلی توجه هر یک از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی به ایجاد نظام‌های مبتنی بر دانش یا دانش‌بنیان است. از طرف دیگر، وجود چنین درخواست‌های کلانی در ایجاد نظام‌های دانش‌محور، موجب شکل‌گیری پیمانکارانی شده است که چه به شکل حقیقی یا حقوقی و یا چه دولتی و غیردولتی در این زمینه فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. فضای کنونی در جذب و مصرف اعتبارات با توجه به تکالیف قانونی، عامل تسریع در فرایند سفارش نظام‌های دانش‌محور و شکل‌گیری صورت‌ظاهری از مدیریت دانش در دستگاه‌های مختلف، شده است. ایجاد غیر صحیح، نامتوازن و غیرمنسجم مدیریت دانش و عدم توجه کافی به مقتضیات بومی و ملی کشور در دستگاه‌های گوناگون در ایجاد نظام‌های دانش‌محور، چالش‌هایی را پدید آورده است که در قالب دو مقوله اجرایی و کلان به آن‌ها اشاره می‌نماییم.

۱.۷ چالش‌ها در اجرای طرح‌های مدیریت دانش

همانگونه که پیشتر بیان کردیم، الزامات قانونی و فضای خالی در شکل‌گیری نظام‌های دانش‌مدار، سبب شده است که طرح‌های متعددی توسط گروه‌هایی از افراد حقیقی و حقوقی در دستگاه‌های متفاوت در دست طراحی، در حال اجرا یا خاتمه یافته باشند. نتایج حاصله از یافته‌های اخیر که به تحلیل چالش‌های مدیریت دانش بطور کلان^۱ در حیطه تحلیل

۱. مازیار امیرحسینی. سند پیشنهادی ایجاد نظام مدیریت دانش در ترویج کشاورزی ایران. تهران: نیک‌پندار، ۱۳۹۷

پیمانکاران، طرح‌های خاتمه یافته و دامنه اجرای طرح‌های مدیریت دانش پرداخته است، نمایان‌کننده چالش‌های ذیل در امور اجرایی این طرح‌ها است:

۱.۱.۷ فقدان آموزش آکادمیک: مدیریت دانش به عنوان یک حوزه آکادمیک

برخوردار از یک رشته دانشگاهی در مؤسسات و مراکز آموزش عالی کشور نیست. این در حالی است که این رشته دانشگاهی بطور میانگین دارای سابقه تدریس دانشگاهی بین ۱۰ تا ۱۵ ساله اخیر در دانشگاه‌های سایر کشورها است. نکته قابل توجه این است که حوزه مدیریت دانش دارای فضای اشتغال در داخل دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی است، لیکن در این حوزه فارغ‌التحصیل از مراکز آموزش عالی کشور وجود ندارد. فقدان آموزش آکادمیک در این حوزه باعث شده است که پیمانکاران یا مجریان ایجاد نظام‌های مدیریت دانش در کشور از تخصص موضوعی این حوزه به شکل آکادمیک برخوردار نباشند.

۲.۱.۷ حضور تخصص‌های دیگر در این حوزه: ماهیت میان رشته‌ای مدیریت دانش

عامل جذب متخصصان سایر حوزه‌های موضوعی به این رشته شده است. به این ترتیب، هر یک از متخصصان حوزه‌های مرتبط به مدیریت دانش مانند حوزه مدیریت، مدیریت منابع انسانی، تعلیم و تربیت، انفورماتیک و ارتباطات، علوم کامپیوتر، هوش مصنوعی و نظام‌های خبره، علوم ارتباطات، علوم اجتماعی، بازرگانی و... دیدگاه خود را نسبت به مدیریت دانش به کلیت این موضوع تسری دهند. به عبارت دیگر، هرکسی از ظن خویش یا این مقوله گشته و از کلیت موضوع و ظرایف آن مطلع نیست که این مقوله، «فیل‌شناسی مولانا در تاریکی» را تداعی می‌نماید. به عنوان مثال ایجاد نظام‌های کنترل و مدیریت منابع انسانی در حکم مدیریت دانش ذخایر منابع انسانی در نظر گرفته شده است.

۳.۱.۷ پرداختن به بخشی از موضوع به جای کلیت آن: حضور کارشناسان

حوزه‌های دیگر و نیز افراد فاقد اطلاعات تخصصی در حوزه مدیریت دانش و اجرای طرح‌های توسعه‌ای آن، سبب شده است که طرح‌های کلانی با عنوان مدیریت دانش در دستگاه‌های مختلف، عملیاتی گردد. اینگونه طرح‌ها با شکل ظاهری مدیریت دانش یا در برگیرنده بخشی از یک نظام مدیریت دانش، فرمت یا شکل صوری یک نظام دانش‌محور

را به خود گرفته‌اند تا شکل صحیح یا کلیت آن را شامل گردند. به این ترتیب است که در مقوله مدیریت دانش ذخایر انسانی در یک دستگاه، به شناسایی شناسنامه‌ای و شخصیتی منابع انسانی پرداخته و نیز ایجاد فهرستی از توانمندی‌های منابع انسانی، در حکم مدیریت دانش سازمانی تلقی شده است. در اینجا ذکر این نکته قابل توجه است که اگر مدیریت دانش منابع انسانی به شکل صحیح و مطابق استانداردهای مدیریت دانش صورت پذیرد، تنها بخشی از مدیریت دانش محسوب می‌گردد.

۴.۱.۷ تکیه بر مدل‌ها و الگوهای غیربومی: دانش از زمینه و بستر فرهنگی و اجتماعی خود، مجزا نیست و تنها در بستر اجتماعی آن قابل شناسایی است. همانگونه که پیشتر بیان کردیم، الگوهای طراحی شده در کشورهای دیگر با توجه به کارایی آن‌ها در کشور مبدأ در ایجاد نظام‌های دانش‌بنیان، نمی‌تواند نسخه مورد اعتمادی برای کشور ما باشد. همانگونه که دانش بومی در کشور ما منحصر به فرد است و با دانش بومی کشورهای دیگر متفاوت است، بستر دانش شکل گرفته در دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و کاربرد آن در عرصه‌های مختلف کشور نیز، منطبق بر مقتضیات بومی، فرهنگی و ملی ایران است. به این ترتیب، استفاده و کاربرد الگوهای غیربومی در ایجاد مدیریت دانش، دستگاه‌های کشور را به سر منزل مقصود در ایجاد نظام‌های دانش محور نمی‌رساند.

۵.۱.۷ گرت‌برداری ناصحیح از الگوهای غیربومی: همانگونه که کپی‌برداری از مدل‌های غیربومی در ایجاد نظام‌های دانش محور به ایجاد مدیریت دانش بومی و ملی کمک نمی‌کند، گرت‌بردای ناصحیح از آن‌ها به گرفتاری‌ها و مشکلات کشور در ایجاد یک نظام معیوب می‌افزاید. به عبارت دیگر عدم وجود یک نظام مدیریت دانش بهتر از وجود نظام معیوبی است که اعتبارات کشور را جذب و به هدر می‌دهد. به این ترتیب، در ایجاد یک نظام دانش محور با رویکرد بومی و ملی، می‌بایست از کلیه نظام‌های معیوب و نامناسب که در گذشته شکل گرفته است، صرف نظر کرد.

۶.۱.۷ نقض غرض در هدف پشتیبانی کاربر: ایجاد نظام‌های غیراستاندارد و عدم انطباق آن‌ها با مقتضیات بومی و ملی کشور، عامل اصلی در ارائه خدمات نامناسب یا عدم

ارائه خدمات دانش‌محور است. اگر هدف غایی یک نظام مدیریت دانش را ارائه خدمات مناسب، در زمان مناسب و برای کاربر مناسب، فرض نماییم، یک نظام مدیریت دانش غیراصولی یا یک نظام صوری، نمی‌تواند دانش مورد نظر و مناسب را به کاربر نهایی آن برساند. به این ترتیب است که به جای افزایش بهره‌وری در مأموریت‌های سازمانی یا در عرصه‌های مختلف کشور و نیز افزایش رضایت کاربر نهایی، با بدبینی و عدم رضایت‌مندی استفاده‌کننده، مواجه خواهیم شد. این بدان معنا است که راه ایجاد نظام‌های کارا در مدیریت دانش نیز به دلیل همین بدبینی پدید آمده، بسته خواهد شد.

۷.۱.۷ عدم توجه به مبانی مهندسی دانش در ایجاد و کاربرد نرم‌افزارهای

مدیریت دانش: نقش‌آفرینان در ایجاد نظام‌های دانش‌محور به عنوان پیمانکاران ایجاد نظام‌های مبتنی بر دانش در دستگاه‌های گوناگون، از مبانی مهندسی دانش یا اطلاعی نداشته یا حائز اطلاعات عمیقی از این حوزه نبوده‌اند. این عامل سبب شده است تا مجموعه اطلاعات فراهم آمده از مستند کردن دانش منابع انسانی یا منابع دانش انتشار یافته در قالب مانبارهای دانش^۱ به شکل سستی دسترس‌پذیر باشد. به این ترتیب که اطلاعات کاربردی از طریق کاوش کلید واژه‌ای یا از طریق سازمان‌های دانش حوزه مدیریت اطلاعات مانند اصطلاحنامه‌ها یا سرعنوان‌های موضوعی، دسترس‌پذیر است. مهندسی دانش در عصر حاضر، قائل به ایجاد نظام‌هایی است که ارتباط معنایی بین مفاهیم در قالب سازمان‌های دانش (هستی‌شناسی‌ها) در نظر گرفته می‌شود. از این طریق است که می‌توان دانش موجود را از طریق هستی‌شناسی‌ها نظم داد و در بستر وب معنایی برای عموم، قابل دسترس ساخت.

۲.۷ چالش‌های کلان در ایجاد نظام‌های دانش‌محور

نتایج حاصل از پژوهش‌های صورت گرفته در ایجاد نظام‌های اطلاع‌رسانی و مدیریت دانش^۱ که به صورت پایلوت در بخش کشاورزی کشور صورت گرفته است، نشان می‌دهد که گونه‌ای از چالش‌ها وجود دارند که از نظر مفهومی در دایره امور تئوریک یا

۱. مازیار امیرحسینی. سند ایجاد و راهبری نظام اطلاع‌رسانی کشاورزی ایران ارایه شده به اتاق فکر جهاد کشاورزی. تهران: نیک پندار، ۱۳۹۷.

تفکر نظام‌مند سیستمی یا بنیادهای امور اجرایی قابل طرح و بررسی می‌باشند. اینگونه چالش‌ها از مسائل اساسی در ایجاد نظام‌های دانش‌محور محسوب می‌گردند؛ به نحوی که فقدان هر یک از عوامل یا عدم توجه به آن‌ها، عامل اصلی ناکامی در ایجاد نظام‌های دانش‌محور است.

۱.۲.۷ عدم تکیه بر مبانی نظری در تحلیل عناصر اصلی مدیریت دانش: در

شکل‌گیری طرح‌های مدیریت دانش و نیز در طراحی نظام‌های نرم‌افزاری مرتبط با آن‌ها، جنبه‌های نظری و فلسفی از نظر مغفول مانده است. به عبارت دیگر، در ایجاد نظام‌هایی که دانش، موضوع اصلی (به عنوان قالب محتوای اطلاعات کاربردی) است، سهم تفکر بومی و ملی که از مهم‌ترین دلایل پرداختن به مبانی نظری است؛ در نظر گرفته نشده است. از طرف دیگر، اگر با تکیه بر مبانی فلسفی جهان شمول به تحلیل مراتب معرفت (تبیین مراتب داده، اطلاعات، دانش و خرد) پردازیم، باید جایگاه مبانی تئوریک و فلسفی خود را در این جهان لایتناهی از امور تئوریک روشن نماییم تا با تکیه بر بنیادهای بومی و داشته‌های نظری در ترسیم مراتب معرفت به منظور تدوین الگوی منحصر به فرد ملی، کوشا باشیم. بنابراین، طرح‌های مدیریت دانش که بر مبنای الگوها یا مبانی تئوریک غیر بومی استوار گشته، راه به جایی نمی‌برد و از طرف دیگر، مبانی نظری و تئوریک برگرفته از تفکرات مدرن و داشته‌های تئوریک بومی، هادی ما در ایجاد الگوهای بومی خواهد بود.

۲.۲.۷ عدم تکیه بر تعریف مورد وثوق از مدیریت دانش: هر علمی دارای دامنه

مشخص و قابل شناخت از طریق تعریف مورد توافق علمای آن حوزه، مجریان و کاربران آن است. مدیریت دانش نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید یک تعریف جامع و مانع از طریق اصحاب این علم و کاربران آن مورد توافق قرار گیرد. متون تخصصی این حوزه، دیدگاه ارباب جراید، کارفرمایان دستگاه‌های مختلف، پیمانکاران طراحی این نظام‌ها و کاربران مدیریت دانش، نشان می‌دهد که هر گروهی با عنایت به تخصص خود به تعریف این حوزه علمی پرداخته‌اند. به این ترتیب باید در تدوین نظام‌نامه‌ها و اسناد راهبردی در

ایجاد نظام‌های مدیریت دانش، در ابتدا تعریف مورد قبول و وثوق از مدیریت دانش ارائه داد تا دامنه عملیات در ایجاد نظام‌های مدیریت دانش، روشن گردد.

۳.۲.۷ فقدان تفکر تکیه بر مبانی هستی‌شناسی در سازمان‌های دانش: یکی از

چالش‌های بنیادین در ناکارآمدی طرح‌های مدیریت دانش در کشور، عدم توجه به بنیادهای نظری، کاربردی و عملیاتی در ایجاد نظام‌های معنایی در ارتباط بین مفاهیم در حوزه‌های موضوعی گوناگون است. در عصر حاضر، مبنای بنیادین دسترس‌پذیر ساختن دانش از طریق ایجاد نظام‌های معنایی بین مفاهیم یک حوزه موضوعی صورت می‌گیرد. این نظام معنایی بین مفاهیم در هر حوزه از دانش بشری را «سازمان دانش» آن حوزه گویند. به این گونه از سازمان‌های دانش که به ایجاد نظم در نظام معنایی دانش می‌پردازد، «هستی‌شناسی» گفته می‌شود. هستی‌شناسی یک حوزه موضوعی با حوزه دیگر متفاوت است؛ حتی هستی‌شناسی یک حوزه موضوعی از کشوری به کشور و از سازمانی به سازمان دیگر تفاوت‌های بنیادینی دارد. در اینجا است که هیچ‌گونه الگوی معماری غیربومی و ملی وجود ندارد که بتوان با اتکا بر آن هستی‌شناسی، یک حوزه موضوعی را در کشور ترسیم نمود. هستی‌شناسی در حکم سلسله اعصاب و مغز برای بدنه‌های مدیریت دانش محسوب می‌شود. بنابراین، فقدان و عدم طراحی هستی‌شناسی‌های ملی و بومی برای هر یک از حوزه‌های دانش بشری، عامل اصلی ناکارآمدی بهترین نظام‌های منسجم مدیریت دانش است.

۴.۲.۷ عدم تکیه بر سازماندهی دانش بر مبنای اصول روابط معنایی: گردآوری

کتاب در یک مجموعه به همراه تهیه قفسه‌های کتابخانه، منجر به شکل‌گیری یک کتابخانه نمی‌گردد. با این قیاس، گردآوری و مستندسازی دانش و فراهم آوردن نرم‌افزار مدیریت دانش، منجر به شکل‌گیری نظام مدیریت دانش نخواهد شد. طرح‌های مدیریت دانش در شرایط فعلی، به گردآوری محتوای دانش پرداخته و با کمک نرم‌افزارهای مرتبط، به ایجاد انبارهای دانش مانند انبارهای کتاب، پرداخته‌اند. از جمله مهم‌ترین و بنیادی‌ترین جنبه‌های مدیریت دانش، تکیه بر فرایند مهندسی دانش به منظور سازماندهی دانش و ایجاد نظم معنایی بین آنها به منظور دسترس‌پذیر ساختن دانش است. بدین ترتیب، تقریباً به همان

میزان که بودجه صرف گردآوری یا تولید دانش می‌گردد، باید زمان و هزینه مناسب برای به نظم درآوردن دانش، صرف گردد. در غیر این صورت، انبارهایی خواهیم داشت که یافتن سوزن در آن، بسیار دشوار تر از ساخت مجدد آن است.

۵.۲.۷ عدم تطبیق مراتب معرفت با ارکان سازمانی مرتبط: همان‌گونه که پیشتر

بیان کردیم، مراتب داده، اطلاعات، دانش و خرد از جمله سطوح در تحلیل مراتب معرفت است. این سطوح و مراتب باید در هر نظام معنایی و شکلی از اشکال مدیریت دانش، قابل تشخیص و شناسایی باشند. از طرف دیگر، تا این مراتب شناسایی نشوند، جریان شکل‌گیری دانش و ارتباط سیستمی بین داده، اطلاعات و دانش، برقرار نخواهد شد. در شکل‌گیری نظام‌های مدیریت دانش و طرح‌های مرتبط با آنها در دستگاه‌های مختلف به تحلیل این مراتب پرداخته نشده است. از طرف دیگر، جایگاه بنیادین این مراتب در شناسایی واحدهای سازمانی مرتبط با آنها در ایجاد جریان بین داده، اطلاعات و دانش در دسترس پذیر ساختن دانش موثق به کاربر نهایی کمتر در نظر گرفته شده است. در اینجا ذکر این نکته قابل ذکر است که در مقوله مراتب معرفت (داده، اطلاعات، دانش و خرد) متولیان اصلی سازمانی شناخته شده نیستند و نیز مسئولیت آنها در تولید داده، اطلاعات و دانش مشخص نیست. از طرف دیگر متولیان متعددی وجود دارند که ضمن ادعای تولی‌گری، مسئولیتی را در تولید آمار، اطلاعات و دانش به عهده نمی‌گیرند.

۶.۲.۷ عدم وجود ارتباط نظام‌مند بین واحدهای تولیدکننده داده، اطلاعات

و دانش: علاوه بر چالش تولی‌گری در تولید داده، اطلاعات، دانش که به شناسایی متولی اصلی کمک‌چندانی نمی‌کند، ارتباط بین متولیان اصلی نیز در صورت شناسایی، مشخص و محسوس نیست. این چالش از عدم وجود ارتباط سیستمی و نظام‌مند سازمانی بین واحدهای تولیدکننده داده، اطلاعات و دانش نشأت می‌گیرد. به این ترتیب است که آمارهای تولید شده (داده)، منطبق بر نیازهای پژوهشی نیست و یافته‌های پژوهشی (اطلاعات) منجر به اشاعه اطلاعات کاربردی (دانش) در عرصه‌های مورد نظر نمی‌شود. بنابراین، یکی از عمده‌ترین

چالش‌های کلان سیستمی که در ایجاد اختلال در فرایند گردش داده، اطلاعات و دانش مؤثر است، ناشی از فقدان یا کمبود تعامل بین واحدهای متولی هریک از مراتب فوق است.

۷.۲.۷ عدم وجود ساختار تشکیلاتی در راهبری و توسعه نظام مدیریت دانش:

ایجاد هر نظام یا سیستمی در بدنه یک نظام یا سیستم دیگر مانند یک دستگاه اجرایی، نیازمند برخورداری از طرح، برنامه و راه کار مشخص و مدون در راستای مأموریت‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای کلان آن دستگاه است. با تکیه بر این مقدمه، اجرای یک طرح در ایجاد نظام مدیریت دانش، نمی‌تواند فارغ از سیاست‌ها و راهبردهای کلان آن دستگاه باشد یا در جهت مأموریت‌های آن نباشد. از طرف دیگر، در ایجاد و راهبری نظام‌های مدیریت دانش در بخش‌های مختلف یک دستگاه باید توجه خاصی به سیاست‌ها و راهبردهای مشخص آن دستگاه باشد. این قیاس می‌تواند در سطح کلیه دستگاه‌ها نیز در نظر گرفته شود؛ به این مفهوم که علاوه بر تبعیت طرح‌های مدیریت دانش از راهبردها و سیاست‌های سازمانی، این طرح‌ها می‌بایست در یک همگرایی هدفمند از سیاست‌ها و راهبردهای کلان کشور نیز پیروی کنند. با عنایت به اینکه مقولات فرهنگی، اجتماعی و بومی، نقش بی‌انندی در شکل‌گیری رکن دانش دارند، در ایجاد نظام‌های مدیریت دانش باید به عناصر ملی توجه خاصی مبذول گردد. در نهایت، ایجاد نظام‌های مدیریت دانش دارای مقتضیات و پیش‌زمینه‌هایی است که باید به شکل سند و دستورالعمل ارائه و مورد پیروی قرار گیرد. در این رابطه، هیچ نهاد یا ساختار تشکیلاتی وجود ندارد که به تدوین سند ایجاد و توسعه نظام‌های مدیریت دانش در کشور پردازد و در راهبری آن به شکل هدفمند، ایفای نقش نماید.

۸. ساز و کار ایجاد، توسعه و راهبری مدیریت دانش در کشور

با عنایت به چالش‌های پیش گفته، به منظور برقراری سازوکار پژوهشی-اجرایی جهت ساماندهی امور در برنامه‌ریزی، اجرا و راهبری طرح‌های مدیریت دانش در دستگاه‌های مختلف و نیز ایجاد انسجام و هماهنگی نظام‌مند در این مقوله، پیشنهاد می‌گردد که سازوکار ذیل در امور مرتبط با توسعه نظام‌های دانش‌محور در دستگاه‌های مختلف کشور، در نظر گرفته شود. در واقع، در نظر گرفتن مراحل ذیل به ایجاد نظام‌های مدیریت دانش

به شکل هماهنگ و استاندارد در کشور کمک خواهد کرد و در ایجاد وحدت و انسجام هدفمند بین نظام‌های مختلف دانش‌محور در دستگاه‌های گوناگون، کمک می‌کند. از دیدگاه عملیاتی، پیشینه شکل‌گیری شوراهای عالی مرتبط و پشتیبان شورای عالی مدیریت دانش نشان می‌دهد که برخی از آنها با مصوبات شورای انقلاب فرهنگی و نیز مصوبات هیات وزیران (مانند شورای عالی اطلاع‌رسانی و شورای پژوهش‌های علمی کشور)، برخی نیز از طریق مصوبات قانونی مجلس شورای اسلامی (مانند شورای عالی فناوری اطلاعات، شورای عالی آمار و شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری)، گروه دیگری با مصوبات شورای انقلاب (مانند شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی و شورای عالی انفورماتیک کشور) و در نهایت برخی با حکم رهبر جمهوری اسلامی ایران (مانند شورای عالی فضای مجازی) تأسیس شده‌اند. که این امر سازوکار تصویب آن‌ها را در تحقق اهداف و سیاست‌های کلان و راهبردی کشور در حوزه‌های مختلف مأموریت‌شان به نمایش می‌گذارد. با عنایت به ماهیت شورای عالی مدیریت دانش به منظور ایجاد نظام‌های استاندارد دانش‌بنیان در دستگاه‌های اجرایی کشور، پیشنهاد می‌گردد که این شورا از طریق دفتر ریاست جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور با مصوبه هیأت وزیران و نیز از طریق مصوبات شورای انقلاب فرهنگی، تأسیس گردد. شورای عالی مدیریت دانش با سازوکار سه‌گانه ذیل تحقق می‌یابد:

۱.۸ شکل‌گیری دبیرخانه ایجاد، توسعه و راهبری نظام مدیریت دانش در کشور

دبیرخانه شورای عالی به عنوان یک رکن و نهاد، عامل اصلی در پیگیری، برقراری هماهنگی و انسجام در ایجاد نظام‌های دانش‌محور در کشور خواهد شد. دبیرخانه با ابلاغیه عالی‌ترین مقام اجرایی کشور در راستای وحدت رویه و هماهنگی امور در شکل‌گیری نظام‌های مدیریت دانش در دستگاه‌های اجرایی کشور، تأسیس خواهد شد. دبیر این دبیرخانه، پس از انتصاب از طریق ابلاغیه مذکور، به تعیین اعضاء اصلی دبیرخانه اقدام خواهد کرد. ابلاغیه مورد نظر در برگیرنده و نمایش‌دهنده وظیفه اصلی دبیرخانه یعنی همکاری کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور با این دبیرخانه در راستای پژوهش، برنامه‌ریزی و تدوین سند راهبردی نظام

مدیریت دانش کشور خواهد بود. این ابلاغیه به همراه پیوست آن شامل شرح خدمات در تدوین سند راهبردی مذکور بوده و زمان‌بندی مورد نظر را در تدوین سند راهبردی ایجاد، توسعه و راهبری مدیریت دانش در کشور مورد اشاره قرار می‌دهد. دبیرخانه از یک طرف مسئول پیگیری مصوبات شورای عالی خواهد بود و از طرف دیگر پیشنهادهایی را به منظور تدوین سیاست‌های جدید یا بازنگری در سیاست‌های پیشین به شورای عالی ارائه می‌دهد. دبیرخانه از طریق ایجاد ارتباط نظام‌مند بین کمیسیون‌های تخصصی شورای عالی، متن سند پیشنهادی مدیریت دانش کشور را تدوین و جهت تصویب به شورای عالی ارجاع می‌دهد.

۲.۸ تدوین سند راهبردی ایجاد، توسعه و راهبری مدیریت دانش در کشور

پس از شکل‌گیری دبیرخانه ایجاد، توسعه و راهبری مدیریت دانش در کشور، مراحل پژوهشی-اجرایی در تدوین سند راهبردی به منظور برقراری هماهنگی و انسجام در شکل‌گیری نظام‌های دانش‌محور در کشور، آغاز می‌گردد. استانداردسازی سند با تکیه بر اصول و مبادی علم مدیریت دانش، تدوین الگوهای ملی و بومی و آخرین دستاوردهای بین‌المللی، در راستای ایجاد وحدت رویه در شکل‌گیری، راهبری، هماهنگی و استانداردسازی نظام‌های مدیریت دانش، تحقق می‌یابد. اولین مرحله در تدوین سند پیش‌گفته، شکل‌گیری یک پیمایش جامع از کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور در خصوص برنامه‌ها و زیرساخت‌های نظام مدیریت دانش است. در این پیمایش از ابزارهای پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده استفاده خواهد شد که نتایج یافته‌های این پژوهش در تحلیل وضعیت موجود در ایجاد نظام‌های دانش‌محور و شناسایی چالش‌های پیشروی این نظام‌ها، راهگشا خواهد بود. از طرف دیگر این پژوهش با استفاده از روش تحقیق عاملی به تعیین و تبیین مهم‌ترین عوامل اثرگذار در شکل‌گیری و راهبری نظام‌های مدیریت دانش در دستگاه‌های مختلف کشور منجر می‌شود. تعیین ماهیت این عوامل در شکل‌گیری الگوی راهبردی مفهومی ملی در ایجاد و راهبری نظام مدیریت دانش در کشور کمک‌شایانی خواهد کرد. پس از انجام پژوهش جامع، مبانی نظری و تئوریک در تبیین ارکان اساسی مدیریت دانش (داده، اطلاعات، دانش و خرد) و نیز تشریح مراتب شناخت در یک نظام دانش‌محور در شکل‌گیری الگوی مفهومی

ملی و بومی، ارائه خواهد شد. در مرحله دوم در تدوین سند مذکور، به تحلیل سیستمی نظام مدیریت دانش و زیرساخت‌های بنیادین مورد نظر آن، پرداخته می‌شود. در مرحله پردازش سیستمی، شرایط و ویژگی‌های یک نرم‌افزار مدیریت دانش مورد بحث قرار گرفته و مقوله مهندسی دانش به عنوان رکن اساسی و بنیادین نظام مدیریت دانش تبیین می‌گردد. خروجی‌های سیستم و کاربران مورد نظر در تبادل دانش، تشریح شده و نظام بازخورد در ارزشیابی و ارزیابی عملیات توسعه و ترویج دانش مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. در نهایت در تحلیل ارتباطات نظام‌مند بین دستگاه‌های مختلف اجرایی کشور در ایجاد فرایند گردش داده، اطلاعات و دانش، متولیان هرگونه از مراتب معرفت، شرح وظایف آن‌ها، الگوی مفهومی ارتباطی، دامنه و شیوه ارتباطات متولیان و نقش آفرینان در قبال نظام مدیریت دانش با یک نگرش سیستمی و کلان، تشریح می‌گردد.

۳.۸ شورای عالی مدیریت دانش کشور

پس از تدوین سند ایجاد و راهبری نظام مدیریت دانش کشور، شورایی مرکب از مدیران عالی دستگاه‌های اجرایی کشور شکل می‌گیرد که وظیفه هدایت، برنامه‌ریزی و راهبری نظام مدیریت دانش در کشور را بر مبنای سند مرتبط با آن بر عهده خواهند گرفت. این شورای عالی در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در خصوص حل مسائل مرتبط با ایجاد و راهبری مدیریت دانش در کشور، دخیل خواهد بود. در صورت نیاز، این شورا می‌تواند نسبت به ویرایش و اصلاح مکانیسم‌های مندرج در سند راهبردی پیش گفته، اعمال نظر نماید. این شورا از امکان پیشنهاد ابلاغیه‌های اجرایی و قوانین مورد نظر به منظور اصلاح یا تکمیل رویه‌های اجرایی، چارت‌های تشکیلاتی، پست‌های مورد نظر و توسعه و اصلاح قوانین کشور در خصوص ایجاد و راهبری مناسب مدیریت دانش در کشور برخوردار خواهد بود. این شورا می‌تواند راهکارهای اجرایی پیشنهادی مورد نظر را به منظور هماهنگی قوای سه‌گانه کشور در ایجاد و راهبری مدیریت دانش در کل کشور به مراجع ذیصلاح، ارائه نماید. قابل ذکر است که کلیه پیشنهادات کارشناسی از طریق کمیسیون‌های تخصصی در ذیل این شورا ارائه خواهد شد. در ذیل این شورا با هماهنگی کامل دبیرخانه، کمیسیون‌های تخصصی

مرتبط با حوزه مدیریت دانش مانند، کمیسیون‌های تجمیع و گنجینه دانش، کمیسیون ذخیره و پردازش، کمیسیون مهندسی دانش، کمیسیون سازمان دانش، کمیسیون‌های تبادل و اشاعه دانش، کمیسیون فناوری و خلق دانش، کمیسیون ارزشیابی نظام‌های دانش محور، کمیسیون هوشمندسازی و غیره شکل گرفته و در راستای تدوین سند راهبردی مدیریت دانش و راهبری آن همکاری و تلاش خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پیشینه پژوهش نشان داد که تعداد زیادی از شوراهای عالی در موضوع‌های گوناگون و بعضاً مشابه در کشور تأسیس شده‌اند. از طرف دیگر، شیوه شکل‌گیری و راهبری شوراهای عالی نشان می‌دهد که گذشت زمان و مرتفع شدن مقتضیات زمانی، به‌ویژه در مباحث فناورانه، می‌تواند عامل کاهش اهمیت موضوع شوراهای عالی شده و یا در ادغام با یکدیگر به شکل مؤثرتر عمل نمایند یا بطور کلی حذف شوند. با عنایت به اینکه حوزه مدیریت دانش از جمله مباحث نوین در عصر حاضر است و نیز نتایج حاصل از دسترس‌پذیری ساختن دانش و اطلاعات کاربردی، عامل بسیار مهم در توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها تلقی می‌گردد، ضرورت شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش در عصر اطلاعات و فناوری‌های هوشمند، اجتناب‌ناپذیر است. از دیدگاه دیگر، تأکید اسناد بالادستی راهبردی، سند‌های توسعه و قوانین وضع شده بر ایجاد نظام‌های دانش‌محور و مدیریت دانش در بخش‌های مختلف کشور تأکید دارند. این تکالیف قانونی، عامل شکل‌گیری پیمانکارانی شده است که یا در این حوزه تخصص ندارند یا از دانش‌اندکی در این مقوله بهره‌مند هستند. لذا، طرح‌های پیاده‌سازی شده یا در دست اجرا در حوزه مدیریت دانش به شکل صورت‌ظاهری و غیراستاندارد پیاده‌سازی می‌گردد. به این ترتیب، نه تنها ما شاهد ایجاد نظام‌های دانش‌محور در راستای نیازهای استفاده‌کننده نیستیم، بلکه منابع مالی کشور نیز بی‌نتیجه صرف شده تا نظام‌های غیرهماهنگ و استاندارد شکل گیرند.

علی‌رغم نکات مایوس‌کننده در توسعه غیرمتوازن و ناهماهنگ نظام‌های مدیریت دانش، بدون تکیه بر الگوهای نظری، مفهومی و استاندارد ملی و بومی و نیز توسعه

شوراهای عالی موازی یا مشابه که عامل توقف، انحلال یا ادغام آنها در یکدیگر شده‌اند، پیشینه شکل‌گیری شوراهای عالی فعال، منحل شده یا ادغام شده باید مدنظر قرار گیرد. نکته مثبت در اینجا است که در عرصه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و حوزه‌های پشتیبان آنها، تجارب ارزشمند و قابل استفاده‌ای نهفته است که می‌تواند در پشتیبانی تفکر ایجاد شورای عالی مدیریت دانش نقش اساسی داشته باشد. در این شرایط، امکان ایجاد شورای عالی مدیریت دانش در استانداردسازی و هماهنگی امور در ایجاد و راهبری نظام‌های دانش‌محور استاندارد، وجود دارد. در این زمینه، تجارب راهبردی شورای عالی اطلاع‌رسانی می‌تواند نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری و استمرار شورای عالی مدیریت دانش داشته باشد. چراکه مدیریت اطلاعات در اطلاع‌رسانی، شالوده و زیربنای مدیریت دانش است. از طرف دیگر، شورای عالی آمار در راهبری پردازش داده می‌تواند، مکمل نظام مدیریت اطلاعات و دانش باشد. شوراهایی مانند شورای عالی پژوهش‌های علمی کشور در نقش راهبری تولید اطلاعات، شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی و آموزش و پرورش در نقش سیاست‌گذاران در مقوله مصرف اطلاعات و دانش و در نهایت، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری در نقش سیاست‌گذار در امر تولید و مصرف دانش نیز از قابلیت هماهنگی و پشتیبانی از شورای عالی مدیریت دانش برخوردار است. از طرف دیگر، تجارب شوراهای انفورماتیک و تکنولوژی اطلاعات به عنوان سیاست‌گذار بستر محتوایی اطلاعات و دانش می‌توانند در پشتیبانی فنی شورای عالی مدیریت دانش، نقش مهمی داشته باشند و در آخر، شورای عالی فضای مجازی می‌تواند در راهبری ایجاد بستر یکپارچه و منسجم در ایجاد فضای مجازی برای نظام‌های دانش‌محور، راه‌گشا باشد.

فهرست منابع

- امیرحسینی، مازیار. (۱۳۹۷). سند ایجاد و راهبری نظام اطلاع‌رسانی کشاورزی ایران ارایه شده به اتاق فکر جهاد کشاورزی. تهران: نیک پندار.
- امیرحسینی، مازیار. (۱۳۹۷). سند پیشنهادی ایجاد نظام مدیریت دانش در ترویج کشاورزی ایران. تهران: نیک پندار.

خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۳). طرح ادغام شورای عالی فناوری اطلاعات و شورای عالی فضای مجازی، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/07/29/535644>

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). (۱۳۸۶). آیا با وجود ادغام شوراها، وظایف شوراها موازی هم‌چنان پابرجا می‌مانند؟ ۲۹ مرداد ۱۳۸۶.

<https://www.isna.ir/news/8605-15078>

خبرگزاری لیزنا. (۱۳۹۸). ارائه ده تجربه و ایده کتابدارانه در نشست تاک: ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۸.

<https://www.lisna.ir/main/40682>

دبیرخانه شورا. (۱۳۹۹). کسب جایگاه قانونی شورای عالی عتف در سال ۱۳۹۶. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دبیرخانه.

<https://www.msrt.ir/fa/news/38312>

دبیرخانه شورا. (۱۳۹۹). امور دبیرخانه: مدیریت دانش. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دبیرخانه.

<https://www.atf.gov.ir/fa/shorayeali/ejraee/odabirkhaneh/modiratdanesh>

دفتر گسترش آموزش عالی. (۱۳۸۳). شرح وظایف و تاریخچه. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر گسترش آموزش عالی.

<https://gostaresh.msrt.ir/fa/page/399>

رنیگر، مونیکا. ام. (۱۳۸۱). آموزش، دین و گفتمان اصالح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقتخواه، تهران: ققنوس، ص ۲۰۵.

روح بخش، م. (۱۳۹۲). شورایی به قدمت ۱۱۰ سال؛ معرفی واحد اسناد شورای عالی آموزش و پرورش. رشد آموزش تاریخ، ۵۲: ۲۰-۲۱.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۲). سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

شورای انقلاب. (۱۳۵۸). لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش: مصوبات شورای انقلاب: ۲۷ بهمن سال ۱۳۵۸. دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۴۵۱.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98604>

شکل‌گیری شورای عالی مدیریت دانش کشور در برقراری...

شورای انقلاب (۱۳۵۹). لایحه قانونی تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی: مصوبات شورای انقلاب، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹. روزنامه رسمی، ۱۱(۱): ۵۵۱.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98830>

شورای انقلاب (۱۳۵۹). لایحه قانونی تشکیل شورای عالی انفورماتیک کشور: شورای انقلاب، ۴ تیر ماه ۱۳۵۹. روزنامه رسمی، ۱۱(۱): ۶۵۷.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98983>

شورای عالی اداری (۱۳۸۶). مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تصویب ادغام دبیرخانه شوراها: مصوبات شورای عالی اداری، ۱۸ تیرماه سال ۱۳۸۶.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133785>

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند نقشه جامع علمی کشور، ابلاغیات مقام معظم رهبری. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۸). شورای عالی انقلاب فرهنگی. سال اول، صفحه ۵۵.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100059>

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۷). آیین نامه شورای عالی اطلاع رسانی: مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸ اردیبهشت ۱۳۷۷. نقل از شماره ۱۵۵۲۱-۱۳۷۷.۳.۲۳

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100570>. روزنامه رسمی.

شوهانی، سیاوش (۱۳۸۹). شورای عالی معارف: موافقان. مخالفان. پیام بهارستان، ۲(۷): ۴۸۳-۵۱۶.

صدیق، عیسی (۱۳۵۲). یادگار عمر، خاطراتی از سرگذشت، تهران: دهخدا، ج ۱، ص ۲۳۶. مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: مصوبات مجلی شورا، ۱۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۳. روزنامه رسمی، شماره

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94172>. ۱۷۳۳۶

مجلس شورای ملی (۱۳۰۰). قانون شورای عالی معارف: مجلس شورای ملی، ۲۰ اسفند

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90680>. ۵۶۹: ۱(۳): ۱۳۰۰. ادوار،

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۱). سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۷). قانون تعیین وضعیت شوراهای عالی: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت، ۶ مهرماه سال ۱۳۸۷. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134279>

مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). تاریخچه شکل‌گیری شورای عالی آمار. تهران: مرکز آمار ایران.

<https://www.amar.org.ir>

مرکز ملی فضای مجازی (۱۳۹۵). تعیین تکلیف وظایف اجرایی شورای عالی انفورماتیک:

مصوبه شماره ۱ جلسه پنجاه و سوم مورخ ۳۰/۰۷/۹۷.

مرکز ملی فضای مجازی (۱۳۹۹). وظایف و اختیارات مرکز ملی فضای مجازی. تهران:

شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی.

http://www.majazi.ir/general_content/76437

مقدم، فرشته (۱۳۹۵). اهمیت و نقش شوراها براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

پژوهش خبری صدا و سیما.

<https://www.iribnews.ir/fa/news/1553296>

هیات وزیران (۱۳۸۴). اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات: مصوبات هیات وزیران، ۴

خرداد ماه سال ۱۳۸۴. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/123287>

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱). تاریخچه شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: روابط

عمومی وزارت آموزش و پرورش.

<https://www.medu.ir/fa/shora/part/dpT/page-id/4605?ocode=1000000744>

References

Marouf, L. N., & Agarwal, N. K. (2016). "Are faculty members ready?

Individual factors affecting knowledge management readiness in universities". *Journal of Information & Knowledge Management*, 15 (3).

Mezghani, E., Exposito, E. and Drira. K. (2016) A collaborative methodology for tacit knowledge management: Application to scientific research". *Future Generation Computer Systems*, 54, 450-455.

Mohamed, S.F. and Zaibon, S.B. (2004) Artificial Intelligence Support For Knowledge Management in Construction. *Proceedings, Knowledge Management International Conference and Exhibition (KMICE 2004)*, Faculty of Information Technology, Universiti Utara Malaysia. p.p. 395-403.

Zekić-Sušac, M., Has, A. (2015) Data Mining as Support to Knowledge Management in Marketing, *Business Systems Research*, 6(2), 18-30.